عضو کمیته میراث ناملموس آیسسکو:

رفتارهایی که در حق «چوگان» می‌شود حیرت‌انگیز است!

«میدان‌های استاندارد «چوگان» در ایران به تعداد انگشتان دست نمی‌رسد. با این حال، در یکی دو سال گذشته اخباری شنیده شد که درصدد تصرف میدان‌های تاریخی چوگان در فرح‌آباد و نوروزآباد هستند، در حالی که این زمین‌ها در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند و عرصه و حریم آن‌ها دارای ضوابط قانونی «ابلاغ‌شده» است.

این رفتارهایی که در حق چوگان می‌شود، حیرت‌انگیز است.» این بخشی از صحبت‌های فرهاد نظری ـ عضو کمیته میراث ناملموس آیسسکو ـ درباره وضعیت میراث جهانی «چوگان» در ایران است. نظری که زمانی مدیر کل دفتر ثبت آثار و حفظ و احیاء میراث معنوی و طبیعی نیز بوده، در گفت‌وگو با ایسنا، درباره چالش‌های چوگان، پیشینه و روند ثبت آن در یونسکو توضیحاتی ارائه داد و تاکید کرد: «چوگان» نه تنها میراث ملی ما، بلکه میراث جهانی است و به آیندگان هم تعلق دارد. توسعه و ترویج «چوگان»، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و ما باید به فکر رفع موانع چوگان باشیم. کارهای ناکرده برای «چوگان» بسیار است.

ایران در سال ۱۳۹۶ موفق شد پرونده «چوگان‌بازی سوار بر اسب همراه با روایتگری و موسیقی» را در فهرست میراث ناملموس یونسکو ثبت کند، درحالی‌که جمهوری آذربایجان «چوگان قره‌باغ» را در سال ۱۳۹۲ به نام خود ثبت کرده بود. تهیه پرونده چوگان از سوی ایران که نزدیک به سه سال از ۹۲ تا ۹۵ طول کشید، مراحل بسیار سخت و پیچیده‌ای داشت. به گفته مرتضی رضوان‌فر ـ مسؤول تدوین پرونده چوگان ـ در این پرونده، گستره چوگان در ادبیات، هنرهای سنتی، اساطیر، هویت جمعی و غیره با بیان تفاوت‌ها و جلوه‌های مختلف در کشور مستند و ارایه شد. اکنون پس از گذشت بیش از پنج سال از ثبت جهانی این میراث ایرانی، برخی از کارشناسان نسبت به خطراتی که چوگان را تهدید می‌کند، هشدار داده‌اند. فرهاد نظری پیش‌تر در این زمینه اظهاراتی داشته و اکنون در گفت‌وگو با ایسنا به بررسی وضعیت این میراث جهانی ایران پرداخته است که در ادامه، مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید:

ابتدا پیشینه‌ای از چوگان را تشریح کنید؟ اصلا چه شد چوگان به نام آذربایجان ثبت شد و در حال حاضر مدعیان دیگر چه کشورهایی هستند؟

چوگان یکی از کهن‌ترین بازی‌های گروهی جهان است که خوشبختانه زنده و جاری است. حتی گفته می‌شود چوگان، مادر بازهای گروهی و بازی با توپ است. نتیجه پژوهش‌ها دال بر این است که ایران خاستگاه و منشأ چوگان است. قدیمی‌ترین خبری که از چوگان به ما رسیده پیشنهاد چوگان‌بازی داریوش سوم هخامنشی به اسکندر مقدونی است. اگر فرض را بر صحت و واقعیت این خبر بگذاریم باید بگویم که قدمت چوگان در ایران از بسیاری از کشورهای جهان بیشتر است. اگر چه در مقوله میراث ناملموس پرداختن به قدمت چندان مقبول نیست، اما منظور از بیان این نکته این است که چوگان در طول زندگیِ بیش از دو هزار ساله‌اش، هم از فرهنگ و اقلیم ایران تأثیر عمیق گرفته و هم بر هنر و فرهنگ ایران تأثیر گذاشته است.

چوگان به پیشنهاد ایران در سال ۲۰۱۷ در یونسکو ثبت شد، اما قبل از آن آذربایجان «چوگان با اسب قره‌باغی در آذربایجان» را در سال ۲۰۱۳ به عنوان میراثِ در خطر ثبت کرد. این‌که چرا آذربایجان دست به ثبت «چوگان با اسب قره‌باغی» زد را نمی‌دانم، اما به نظر می‌رسد که علل و انگیزه‌های سیاسی و مسأله قره‌باغ در کار بوده است، اما واقعیت این است که گزارشی در دست نیست که آذربایجانی‌ها چوگان داشته‌اند.

سال ۲۰۱۳ آذربایجان میزبان اجلاس کمیته بین‌الدول میراث ناملموس یونسکو بود و از امتیاز میزبانی استفاده کرد. از طرفی آن پرونده در رده «میراث در خطر و نیازمند پاسداری فوری» ثبت شد. قاعدتاً یونسکو در خصوص داوری این گونه پرونده‌ها سخت‌گیری جدی نمی‌کند و آذربایجانی‌ها با این حساب و کتاب‌ها چوگان را ثبت کردند. تعلل ما در ارسال پرونده چوگان هم به نفع آن‌ها تمام شد و کار را برای ما در سال‌های بعد سخت کرد.

این‌که چه کشورهایی مدعی چوگان هستند هم پاسخش نامعلوم است، چون اظهار نظر رسمی در دست نیست، اما در کشورهای هند و پاکستان، چوگان قدمت قابل توجهی دارد و اگر بخواهند، می‌توانند به پرونده چوگان ایران ملحق شوند. مانند پرونده نوروز که به عنوان میراث مشترک دوازده کشور ثبت شده است. ما هم از پیوستن کشورهایی که چوگان دارند به پرونده جهانی چوگان استقبال می‌کنیم.

با توجه به ثبت جهانی چوگان به نظر می‌رسد که این هنر ـ ورزش که معرف هویت ایرانی است، وجهه عمومی پیدا نکرده است، دیدگاه شما در این باره چیست؟

از دو منظر می‌توان این موضوع را بررسی کرد؛ «چوگان» یکی از بارزترین مصادیقِ میراث فرهنگی و تمدنی ماست و نقش و سهم بسزایی در معرفی فرهنگ ایران دارد. از طرفی، چوگان به بازی شاهان و شاهِ بازی‌ها شهرت دارد و گروه‌های خاص از قبیل شاهان و شاهزادگان و امیران و امیرزادگان و فرماندهان و سپهسالاران چوگان بازی می‌کرده‌اند. امروزه «چوگان» امکانات متعددی می‌خواهد و اکثراً چنین فرصت و امکاناتی در اختیار ندارند. از این منظر «چوگان»، بازی محدودی است. البته در گذشته هم خیلی فراگیر و عمومی نبوده، اما همگان چوگان را می‌شناخته‌اند و چوگان در لایه‌ها و ابعاد زندگی ایرانیان حضور داشته است.

چوگان در شعر، امثال و حِکَم، نقاشی، قصه‌گویی و روایت‌گری، موسیقی، صنایع دستی، فرش‌بافی، معماری و شهرسازی و دیگر شاخه‌های فرهنگ و هنر ایران تأثیر عمیق داشته است. اگر بگوییم عنصر دیگری از میراث فرهنگی ایران چنین تأثیری در فرهنگ، هنر و ادب نداشته اغراق نکرده‌ایم. خلاصه کلام این‌که بازی «چوگان»، بازی خاص و غیرفراگیری است، اما فرهنگ و میراثِ چوگان در زندگی ایرانیان ریشه دوانده و فراگیر است.

نهادهای ورزشی چقدر در ماندگاری و حفظ میراث ناملموس چوگان نقش داشتند؟

فدراسیون چوگان برای حفظ چوگان، کوشش‌های قابل تقدیری داشته است. رویکرد آن‌ها به چوگان، رویکردی ورزشی است و کمتر به فرهنگ و میراث چوگان توجه کرده‌اند، اما نگاه ورزشیِ صرف به چوگان موجب تنزل جایگاه «چوگان» می‌شود. «چوگان» یک فرهنگ عمیق و کهن است که بازی چوگان بخشی از آن است. نمی‌توان بازی چوگان را از فرهنگ و میراث آن جدا کرد. در واقع، تفکیک بازی چوگان از فرهنگ آن امری محال است، اما کم‌توجهی یا بی‌توجهی به فرهنگ چوگان، این میراث کهن را در ردیف ورزش‌های دیگر مثل دوچرخه‌سواری و موتورسواری قرار می‌دهد.

«چوگان» امروز بیشتر یک ورزش محسوب می‌شود، در حالی‌که به عنوان میراث ناملموس ثبت شده است، در عین حال ورزش پرهزینه‌ای است و افراد کمتری به سراغ آن می‌روند، در چنین شرایطی به نظر می‌رسد از کالبد و هویت اصلی خود خارج و به عنوان میراث ناملموس دچار تناقض شده است. به نظر می‌رسد مسیری که به دنبال ثبت جهانی آن باید طی شود، سیر نشده و نتوانستیم کاری کنیم که به عنوان یک میراث ایرانی معرفی شود، این مسأله از کجا ناشی می‌شود؟

ثبت «چوگان» در فهرست ملّی و در فهرست جهانی یونسکو، نقطه شروع است. چوگان از سال ۲۰۱۷ در یونسکو به عنوان میراثِ بشری به جهان معرفی شد. اقدامات پاسدارانه و ترویجی ما هم باید هم در شأنِ چوگان و هم در مقیاس میراث جهانی باشد. «چوگان» در اَصل یک بازی نظامی بوده و سپاهیان در مواقع تمرین برای بالابردن مهارت‌های رزمی‌شان گوی می‌زده‌اند. در کنار میدانِ چوگان برای برانگیختن و تهییج چوگان‌بازان، موسیقیِ حماسی ـ رزمی می‌نواختند و گاهی سرگذشت پهلوانان و شجاعان را روایت می‌کردند.

«چوگان» موجب تقویتِ لیاقت و تربیت شجاعت و دلاوری و جنگاوری می‌شود. این مواردی که ذکر کردم از ارزش‌های بازی چوگان است. علاوه‌بر این‌ها، در سپهرِ اندیشه، خداوندگان سخن، جهان را به میدان چوگان تشبیه کرده‌اند که آدمی باید در این میدان گوی سعادت بزند.

«چوگان» یکی از ارکان و نمادهای فرهنگی ماست که ابعاد و لایه‌های در هم تنیده و متعددی دارد. چوگان، میراث فرهنگیِ کم‌نظیری است و وظیفه ماست که آن را به عنوان یک میراث منسجم پاسداری و معرفی کنیم. ممکن است که بسیاری از چوگان‌بازانِ ماهر و ورزیده در ایران از پیشینه، پیام‌ها و ارزش‌های فرهنگی و تمدنی «چوگان» خبر نداشته باشند، علتش هم این است که از ابتدا مهارت‌های بازی را فراگرفته‌اند. این مثال گویای آن است که برای پاسداری و ترویج «چوگان» به عنوان یک منظومه تاریخی و فرهنگی لازم است برنامه‌ریزی چندجانبه و دامنه‌داری در سطوح گوناگون انجام داد.

چرا برای چوگان بعد از ثبت اقدام ملموس و چشمگیری به منظور فراگیرتر شدن آن نشده است و فقط به ورزش و حرکت نمایشی تبدیل شده است به طوری‌که هم کارشناسان میراث فرهنگی و هم ورزشی نظر مثبتی درباره ارتقاء جایگاه چوگان ندارند؟

میدان‌های استاندارد چوگان در ایران به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد. با این حال، در یکی دو سال گذشته اخباری شنیده شد که درصدد تصرف میدان‌های تاریخیِ فرح‌آباد و نوروزآباد هستند، در حالی که این زمین‌ها در فهرست آثار ملّی ثبت شده و عرصه و حریم آن‌ها دارای ضوابط قانونی «ابلاغ‌شده» است. این رفتارهایی که در حق چوگان می‌شود، حیرت‌انگیز است. هر رفتاری که موجب تضعیف، تزلزل و آسیب به «چوگان» شود، جبران‌ناپذیر است. این رفتارها حیثیت و هویت فرهنگی ما را در مجامعی چون یونسکو با چالش روبرو می‌کند. «چوگان» نه تنها میراث ملی ما، بلکه میراث جهانی است و به آیندگان هم تعلق دارد. توسعه و ترویج «چوگان»، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و ما باید به فکر رفع موانع چوگان باشیم. کارهای ناکرده برای «چوگان» بسیار است.

به طور مثال در نیمه جنوبی کشور تقریباً از وجود چوگان خبری نیست، در حالی‌که در مرکز و نیمه شمالی کشور در نیمه دوم سال، یعنی پاییز و زمستان به علت وضعیت آب و هوا، امکان «چوگان بازی» نیست. پاییز و زمستان در نیمه جنوبی کشور در جاهایی مثل کیش و بوشهر و چابهار وضعیت مطلوبی برای «چوگان» وجود دارد. اگر در این مناطق «چوگان» دایر شود آن وقت در سراسر فصول و ماه‌ها در ایران امکان چوگان وجود خواهد داشت.

تحقیق و بررسی درباره ابعادِ چوگان هم بسیار اندک است و در آغاز راه است. کتاب‌ها و مقالاتی که به فارسی درباره چوگان نوشته و منتشر شده هم شاید به یک عدد دو رقمی نرسد. بیشترِ این آثار با همت و علاقه و سرمایه شخصی انتشار یافته‌اند، مثلاً درباره شناخت و احیای آلات و ادوات موسیقیِ چوگان، چه تحقیقِ عمیقی انجام شده است یا درباره انواعِ اسب‌هایی که در چوگان بازی می‌کرده‌اند. بیشتر اسب‌های چوگانی موجود از یک نژاد غیرایرانی و یا ترکیبی از آن نژاد با نژادهای بومی است. این را هم باید گفت که در چند دهه اخیر تلاش‌های ارزنده‌ای برای تولید اسبِ مناسب چوگان انجام شده است.

در عین حال پس از ثبت جهانیِ «چوگان» گام‌های کوچک، اما سودمندی برای معرفیِ چوگان برداشته شده است. چوگان به کتاب‌های درسی دانش‌آموزان راه پیدا کرده و دانش‌آموزان امروز اجمالاً می‌دانند چوگان چیست و چه جایگاهی دارد. اسنادِ چوگان مانند مینیاتورها و گزارش‌ها و اخبار و قصه‌ها کم نیست. اما به طور کلی، چوگان وادی مهجور و نسبتاً دست‌نخورده‌ای است. کلام را کوتاه کنم، چوگان یکی از مصداق‌های اعلای میراث فرهنگی است و ترویج و پاسداری آن باید توسط انجمن‌ها انجام شود و دولت صرفاً نقش حامی داشته باشد.

حاشیه‌های «پایتخت» ادامه دارد

برخلاف گفته رئیس صدا و سیما، عوامل اختلاف ندارند

اظهارنظر اخیر پیمان جبلی درباره «پایتخت» مبنی بر اختلاف نظر بین عوامل سریال و در ادامه واکنش برخی به این مطلب، پرونده سریال پربیننده تلویزیون را که به نظر می‌رسید مختومه اعلام شده، بار دیگر به جریان انداخت.

به گزارش ایسنا، بعد از حاشیه‌هایی که پخش فصل ششم و ساخت فصل هفتم سریال «پایتخت» به همراه داشت، از آن زمان تاکنون خبری از ساخت قسمت جدید نبوده است؛ در حقیقت نه سازندگان خبر جدیدی اعلام کرده‌اند و نه مسوولان صداوسیما نسبت به این مساله تمایل نشان داده‌اند. عوامل سریال «پایتخت» گویی به شکلی هماهنگ تصمیم بر سکوت گرفته بودند. با این همه اظهارات «مهدی فرجی» از مدیران سابق صداوسیما و ناظر صداوسیما در تولید «پایتخت» و همچنین پاسخ پیمان جبلی به سوالی درباره ادامه ساخت «پایتخت»، واکنش برخی عوامل سریال را به همراه داشت.

رئیس صداوسیما درباره‌ی تعطیلی سریال «پایتخت» گفته است، صداوسیما تصمیمی مبنی بر جمع کردن این مجموعه نداشته و ندارد و در عین حال متذکر شده بود، عوامل بین خودشان اختلاف نظر دارند. همچنین «مهدی فرجی» در اظهاراتی از احتمال بسته شدن پرونده ساخت سریال «پایتخت» خبر داده و ساخت فصل جدید را دور از انتظار دانسته بود. با این حال او که تهیه‌کنندگی سریال نون خ را هم عهده‌دار است، ابراز امیدواری کرده بود «پایتخت ۷» ساخته شود. فرجی گفته بود: چون یک مقداری کار سخت شده، آدم‌ها از هم جدا شدند و دور افتادند و درگیرِ کارهای دیگر شدند. اینکه دوباره بتوان در یک زمان و شرایطی خاص آنها را دورهم جمع کرد، کار ساخته شود کار سخت شده است. با این وجود به تازگی هومن حاجی عبداللهی از بازیگران «پایتخت» با انتشار تصویری از دورهمی عوامل این سریال اظهاراتی مبنی بر اختلاف نظرها را بهانه ای بیش ندانسته و عنوان کرده است: این هم از ما. یک خانواده‌ایم بدون کوچکترین مشکل و مسئله ای در کنار هم. مشکل از ما نیست.

فصل اول «پایتخت» به تهیه‌کنندگی الهام غفوری در نوروز ۹۰ از شبکه یک سیما پخش شد. اولین سری با استقبال زیادی مواجه شد و به سبب تازگی و جذابیت‌هایی که شکل زندگی ساده‌زیست کاراکترهایش داشت، استارت ادامه‌دار بودنش خورد.

«پایتخت ۶» را هم شاید بتوان پرحاشیه‌ترین فصل این مجموعه نامید. از سانسور گاه و بیگاه صحنه‌های تولیدشده گرفته تا حجم بالای تبلیغات به هنگام پخش و البته در شرایطی که گروه سازنده همچنان مشغول آماده‌سازی قسمت‌های آخر سریال بودند با ورود کرونا شرایط دشوارتر هم شد و پروژه را تحت تاثیر خود قرار داد.

به نحوی که سازندگان مجبور شدند فصل ششم را نیمه‌کاره رها کنند و وعده ساخت را پس از فروکش کردن کرونا بدهند. از طرفی تغییر ناگهانی لحن «پایتخت» و شخصیت‌ها و نداشتن قصه‌ای محکم، موجب واکنش مخاطبان و کارشناسان شد.

با این همه وعده ساخت دو قسمت پایانی «پایتخت ۶»، در نوروز عملی شد و قسمت‌های انتهایی این فصل، متاثر از فضای کرونا، برای بینندگان تولید و پخش شد.

با فروکش کردن کرونا زمزمه‌هایی از ادامه «پایتخت» و ساخت فصل هفتم شنیده می‌شد که این بار در همان بدو امر با حواشی متعددی همراه شد. انتشار مطالبی درباره دستمزد نجومی محسن تنابنده بزرگترین حاشیه این سریال بود. از طرفی سارا و نیکا فرقانی اصل، دو بازیگر نوجوان سریال که از کودکی با پروژه پایتخت همراه بودند، پس از پایان فصل آخر به دلیل انتشار عکس‌هایی در فضای مجازی با حاشیه مواجه شدند و به رغم حمایت برخی بازیگران از این دو نوجوان، شنیده‌ها حاکی از این بود اگر قرار است پایتخت ادامه پیدا کند، سارا و نیکا نباید حضور نداشته باشند. در نهایت هم در پی انتشار خبرها و ادعاهایی چون دستمزد ۵ میلیاردی محسن تنابنده برای ساخت فصل جدید از سریال «پایتخت» و نقدهایی که در فضای رسانه‌ای و مجازی به دنبال داشت، آذر ماه ۹۹ تنابنده با انتشار متنی اعلام کرد که ادامه‌ی «پایتخت» را نمی‌سازد و این پایان ماجرا برای سریالی بود که حدود یک دهه عنوان محبوب‌ترین مجموعه تلویزیونی را در بین مخاطبان یدک می‌کشید.

شایعات درباره رمان جدید «مارکز» تایید شد

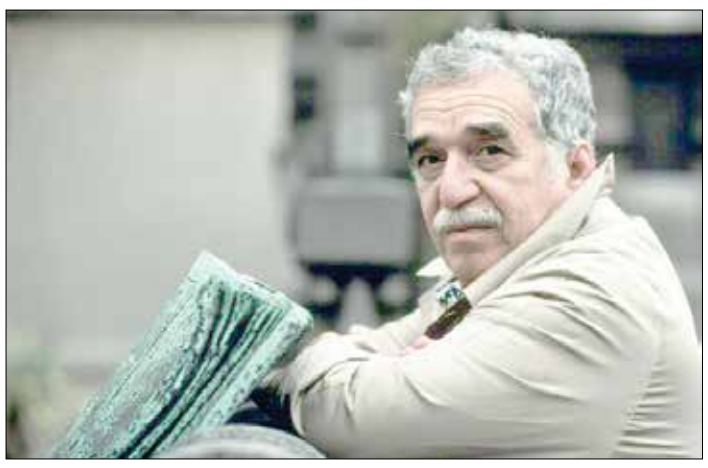

رمانی دیده‌نشده اثر «گابریل گارسیا مارکز» نویسنده کلمبیایی برنده نوبل با عنوان «در ماه اوت همدیگر را خواهیم دید»، سال آینده میلادی منتشر خواهد شد.

به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، مدت‌ها شایعاتی منتشر شده بود مبنی بر این‌که یک شاهکار ادبی کامل از «گابریل گارسیا مارکز» که هرگز پیش‌تر منتشر نشده در گاوصندوقی پرگرد و غبار توسط خانواده این نویسنده فقید نگهداری می‌شود یا در آرشیو شخصی او در دانشگاه تگزاس قرار دارد.

روز جمعه انتشارات پنگوئن رندوم هاوس تایید کرد که یک رمان منتشرنشده از «گابریل گارسیا مارکز» با عنوان «در ماه اوت همدیگر را خواهیم دید»، نه تنها وجود دارد، بلکه در سال ۲۰۲۴ در قفسه‌های کتابفروشی‌ها آمریکای لاتین عرضه خواهد شد.

«خوان مورنو بلانکو» استاد دانشگاه دل واله در کالی، کلمبیا با اظهار شگفتی از انتشار این خبر گفت: «نه؟! یک کتاب از گابریل گارسیا مارکز؟، من شایعاتی در مورد برخی از نسخه‌های خطی شنیده بودم، اما چیزی بیش از شایعات است؛ یک کتاب کامل؟!»

از سال ۱۹۹۹ که «گارسیا مارکز» داستان کوتاهی را در مجله کلمبیایی کامبیو منتشر کرد، گمانه‌زنی‌ها درباره این کتاب مطرح شده بود. داستان «آنا ماگدالنا باخ» زن میانسالی که هنگام بازدید از یک جزیره گرمسیری برای گذاشتن گل بر روی قبرِ مادرش واد رابطه‌ای عاشقانه می‌شود، ظاهراً اولین فصلی بود که مارکز روی آن کار می‌کرد.

اما پس از مرگ این نویسنده مشهور بین‌المللی معروف به گابو در سال ۲۰۱۴، اعتقاد بر این بود که این اثر هیچ‌گاه منتشر نخواهد شد، زیرا تصور می‌شد خانواده این نویسنده راضی به انتشار یک اثر ناتمام نخواهد بود.

«جیمی آبلو» مدیر بنیاد گابو، در این‌باره می‌گوید: «تاکنون موضع دو فرزند مارکز این بود که این کتاب منتشر نخواهد شد اما به نظر می‌رسد آن‌ها پس از خواندن دست‌نوشته نظر خود را تغییر دادند!».

«رودریگو» و «گونزالو گارسیا» فرزندان مارکز، با بیان این که آن‌ها این اثر را بسیار ارزشمند می‌دانند و بنابرین نمی‌تواند از کلمبیا و جهان گسترده‌تر که به شدت تحت تأثیر داستان‌های تحسین‌شده رئالیسم جادویی مارکز قرار گرفته است، پنهان بماند، در بیانیه‌ای نوشتند:

رمان «در ماه اوت همدیگر را خواهیم دید» نتیجه آخرین تلاش برای ادامه خلق داستان در برابر باد و جزر و مد بود. تقریباً ۱۰ سال پس از مرگش، یک بار دیگر آن را خواندیم، متوجه شدیم که متن مزیت‌های بسیار لذت‌بخشی دارد و چیزی مانع از لذت بردن از برجسته‌ترین آثار گابو نمی‌شود. ظرفیت او برای اختراع، شعر زبان، روایت جذاب، درک او از انسان و علاقه‌اش به تجربیات و اتفاقات ناگوارش، به‌ویژه در عشق، احتمالاً موضوع اصلی تمام کارهای اوست».

از جمله جزئیات معدود منتشرشده این است که این رمان شامل پنج بخش جداگانه با محوریت شخصیت «آنا ماگدالنا» است و در مجموع حدود ۱۵۰ صفحه خواهد داشت. هنوز جزئیات نسخه انگلیسی آن اعلام نشده است.

«خوان گابریل واسکز» نویسنده مطرح کلمبیایی در این‌باره گفت: «برای من این یک خبر عالی است. شما باید بدانید که چگونه آن را بخوانید: این یک کار تمام‌شده نیست و گارسیا مارکز یک صنعتگر بسیار دقیق بود. اما می‌توانیم از آن به همان اندازه که هست لذت ببریم: یک کار ناتمام از یک هنرمند بزرگ. دلیلی وجود ندارد که ما دیگران را از این لذت محروم کنیم».

داستان بیماری روانی این نویسنده از پرحاشیه‌ترین بخش‌های زندگی او بود. برادر او طی سخنرانی که برای دانشجویان کارتاخنای کلمبیا داشت، اعلام کرد «گابو» از بیماری اختلال مشاعر رنج می‌برد و از سال ۱۹۹۹ به سرطان غدد لنفاوی مبتلا شده است. او همچنین گفت که خالق «صد سال تنهایی» دیگر قلم به دست نمی‌گیرد و پس از چاپ آخرین کتابش در سال ۲۰۰۴ دیگر اثری را به نگارش درنیاورده است.

سرانجام خبر درگذشت این نویسنده بزرگ در هفدهم آوریل (برابر ۲۸ فروردین ۱۳۹۳) منتشر شد و «کریستوبل پرا» ویراستار او در انتشارات «رندم هاوس»، مرگ این نابغه ادبی را در سن ۸۷ سالگی تایید کرد.

اخبار کوتاه

یادبودی برای عبدالله انوار

مراسم یادبود عبدالله‌انوار، مصحح، نسخه‌شناس و ریاضی‌دان برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، این مراسم روز دوشنبه، ۱۱ اردیبهشت‌ماه از ساعت ۱۷ در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی به نشانی خیابان انقلاب، خیابان استاد نجات‌الهی(ویلا)، بوستان ورشو برگزار می‌شود.

مهدی محقق، نوش‌آفرین انصاری، پری زنگنه، احمد مسجدجامعی، فاطمه قاضیها، نصرالله حدادی، پویا آریان‌پور و کاوه خورابه در این مراسم سخنرانی خواهند کرد. نمایش فیلم مستند از زندگی و زمانه استاد عبدالله انوار به کارگردانی مسعود طاهری از دیگر برنامه‌های این مراسم است. سیدعبدالله انوار، متولد سال ۱۳۰۳ تهران، ریاضی‌دان، منطق‌دان، موسیقی‌دان، تاریخ‌دان، فلسفه‌پژوه، تهران‌شناس، حقوق‌دان، نسخه‌پژوه، نسخه‌شناس، ادیب، فهرست‌نویس و متخصص متون کهن بود که ۱۷ اسفندماه ۱۴۰۱ در ۹۸ سالگی از دنیا رفت. او بیش از ۲۰ سال رئیس بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران بود و در طول دوران کاری خود حدود ۱۰ جلد فهرست نسخه‌های خطی به فارسی و عربی را تدوین کرد. تدوین حرف «خ» و «کاف» از مجلدات لغت‌نامه دهخدا؛ شرح و ترجمه شفای بوعلی سینا؛ شرح و ترجمه شرح اشارات خواجه نصیر؛ شرح و تفسیر «حکمة الإشراق» قطب‌الدین شیرازی و مقالات متعدد در موضوع نسخه‌شناسی، و فهرست‌نگاری از جمله آثار او بوده است. انوار دارای تصحیحات بسیاری است که از مهم‌ترین و مشهورترین آن‌ها می‌توان به جهانگشای نادری اشاره کرد.

چرا «متهم گریخت» هنوز بیننده دارد؟

ملیکا زارعی ـ بازیگر و مجری تلویزیون ـ نسبت به پخش مکرر سریال «متهم گریخت» و دلیل استقبال مخاطبان بعد از بارها پخش این مجموعه طنز از تلویزیون واکنش نشان داد.

به گزارش ایسنا، سریال طنز «متهم گریخت» به کارگردانی رضا عطاران و نویسندگی سعید آقاخانی نخستین بار در ماه رمضان سال ۱۳۸۴ از شبکه سه در ۲۶ قسمت پخش شد.

ملیکا زارعی، بازیگر سریال «متهم گریخت» در صفحه شخصی‌اش نسبت به پخش مکرر این مجموعه طنز واکنش نشان داده و اینگونه نوشته است:

«این روزها متهم گریخت از شبکه آی‌فیلم در حال پخش است و بار چندم نمی‌دونم ولی می‌دونم که بارها و بارها پخش شده و همه این بارها مخاطب استقبال کرده و دنبال کرده است.» او همچنین به این نکته اشاره کرده است که: «همیشه برام سوال بوده چه نکته‌ای در این سریال هست که هنوز هم مخاطب داره و دوست داشتنیه؟ به عوامل ربط داره؟ به قصه مربوطه؟ دلیلش چیه؟ به این نتیجه رسیدم رویکرد سازنده تزریق یک واژه در جامعه است.» ملیکا زارعی دلیل استقبال از سریال «متهم گریخت» را در واژه امید دانسته و تاکید کرده است: «امید، امید به خدایی که اون بالاست، که حواسش به همه بنده‌هاش هست همینه که مخاطب با دیدنش انرژی می‌گیره. سختی هست ولی امید به گشایش هم هست. معجزه امید همون چیزی که مدت‌هاست در زندگیمون جاش خالیه، همون اتفاقی که بیننده با خودش بگه بالاخره میشه، بالاخره درست میشه، بالاخره راهی پیدا میشه و این همان نکته‌ای است که همه ما دوست داریم بیشتر ببینیم و بشنویم.»

یادبودی برای خالق مجسمه‌های هزاردستان و امیر کبیر

مراسم گرامیداشت «محمد هژبر ابراهیمی» ـ هنرمند مجسمه‌ساز ـ برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، انجمن مجسمه‌سازان ایران اعلام کرد که قرار است مراسم گرامیداشت «محمد هژبرابراهیمی» ـ مجسمه‌ساز ـ را در خانه هنرمندان ایران برگزار کند.

این مراسم با همکاری خانه هنرمندان ایران دوشنبه، ۱۱ اردیبهشت ساعت ۱۷ تا ۱۸:۳۰ در سالن شهناز خانه هنرمندان برگزار می‌شود. محمد هژبر ابراهیمی ـ هنرمند پیشکسوت مجسمه‌ساز ـ ۲۷ فروردین ماه در کرمان درگذشت. هژبر ابراهیمی یکی از مجسمه‌سازان برآمده از مکتب کرمان است که سهم بسزایی در رواج مجسمه‌سازی ایران داشته است. این هنرمند متولد ۱۳۰۵ در رفسنجان و فارغ‌التحصیل رشته مجسمه‌سازی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸ بود. او از کودکی شاگرد زنده‌یاد استاد علی‌اکبر صنعتی بوده و نقش مؤثری نیز در برپایی موزه «آثار استاد صنعتی» در میدان توپخانه تهران و موزه صنعتی کرمان داشته است. تندیس‌های امیرکبیر در رفسنجان، صنایع دستی در کرمان، نبرد گاوها در جزیره ناژوان زاینده‌رود اصفهان، مجسمه «هزاردستان» و «سگ لمیده» در اصفهان و تندیس حکیم ابوالقاسم فردوسی در دانشگاه اصفهان از جمله آثار این هنرمند فقید است.

بدون فداکاری نمی‌توانی در ایران انیمیشن بسازی

سری دوم از مجموعه انیمیشن «دهکده پرماجرا» به کارگردانی مرجان کشانی و شهاب شمسی برای پخش از تلویزیون آماده شد.

«دهکده پرماجرا ۲» داستان روستایی است که اهالی آن مردمانی دانا و باهوش هستند و مشکلاتی را که در هر قسمت از داستان اتفاق می‌افتد به کمک یکدیگر و البته بچه‌ها حل می‌کنند.

مرجان کشانی، کارگردان و تهیه‌کننده این سریال درباره زنده نگه داشتن انیمیشن صنعتی در ایران و همچنین تلاش بی‌وقفه گروه تولید خود برای ساخت این مجموعه توضیح داده است: ساخت انیمیشن در ایران بدون گذشت و فداکاری دوستداران انیمیشن امکان‌پذیر نیست. وی گفت: البته نباید این نکته را از نظر دور نگه داریم که برای انیمیشن ساز ایرانی وجود و بروز فرهنگ ایرانی در کل کار یک اولویت است. او هدف اصلی این سریال را کمک به توسعه فرهنگ اندیشیدن به کودکان توصیف کرد و یادآور شد: من احساس می‌کنم این داستان‌ها تاثیر خوبی بر کودکان می‌گذارد. شهاب شمسی، کارگردان دیگر این سریال درباره ابتکار گروه سازنده «دهکده پرماجرا ۲» هم اظهار کرد: ما پس از اتمام هر قسمت، از بچه‌های دبستانی مدارس برای تماشای کار دعوت می‌کنیم و اینگونه از تاثیراتی که اثر بر ذهن و رفتار کودکان گذاشته آگاه می‌شویم. همچنین در این مسیر از مشاوران و روانشناسان کودک نیز کمک می‌گیریم.

«آژیر» در بخش مسابقه جشنواره انسی

فهرست ۱۱ اثر بخش مسابقه جشنواره معتبر و بین‌المللی انیمیشن انسی فرانسه با حضور انیمیشن «آژیر» ساخته سپیده فارسی اعلام شد.

به گزارش ایسنا، انیمشن «آژیر» ساخته سپیده فارسی سینماگر ایرانی و محصول مشترک فرانسه، آلمان، لوکزامبورگ و بلژیک، یکی از ۱۱ اثر بخش مسابقه اصلی شصت و سومین جشنواره بین‌المللی انیمیشن انسی انتخاب شده است. این انیمیشن که بخش پانوراما‌ی جشنواره برلین ۲۰۲۳ را افتتاح کرد، درباره روزهای ابتدایی جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ است و وقایعش در آبادان می‌گذرد. فیلم درباره نوجوانی به نام امید است که پس از بمباران پالایشگاه آبادان به‌دنبال برادر گمشده‌اش و راهی برای خروج از شهر محاصره‌شده آبادان است.

بازیگر جدید «گلادیاتور» معرفی شد

«جوزف کوئین» بازیگر سریال «چیزهای عجیب» در حال مذاکره برای پیوستن به دنباله فیلم سینمایی «گلادیاتور» به کارگردانی «ریدلی اسکات» است.

به گزارش ایسنا به نقل از هالیوود ریپورتر، «جوزف کوئین» قرار است در فیلم جدید «گلادیاتور» در نقش کاراکالا امپراتور روم مقابل دوربین برود.

قسمت اصلی فیلم «گلادیاتور» در حالی در سال ۲۰۰۰ اکران شد که «راسل کرو» در نقش ماکسیموس سرباز رومی که به بردگی گرفته شده بود ظاهر شد و در تلاش برای گرفتن انتقام از کومودوس امپراتور غاصب رومی با بازی «واکین فینیکس» است.

شخصیت اصلی گلادیاتور در انتهای فیلم اصلی می‌میرد و فیلم جدید با محوریت شخصیت «لوسیوس» پسر خواهر کومودوس ساخته می‌شود که به شدت تحت تاثیر شخصیت ماکسیموس قرار می‌گیرد و قرار است «پاول مسکل» در نقش آن ظاهر شود. پیش از این حضور «دنزل واشنگتن» نیز در دنباله فیلم «گلادیاتور» اعلام شده بود. «ریدلی اسکات» در اواخر سال ۲۰۲۱ تأیید کرد که فیلمنامه دنباله «گلادیاتور» را قبلاً نوشته است و اضافه کرد که مولفه‌های کافی از نسخه اصلی برای پرداختن به ادامه داستان وجود دارد. قسمت اصلی «گلادیاتور» در مجموع به فروشی بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار در گیشه جهانی دست یافت و در ۱۱ شاخه نیز نامزد اسکار شد و در نهایت اسکار بهترین فیلم و بازیگر مرد را کسب کرد.